

دوره‌بندی تاریخی کالبدی مسجد جامع ساوه

سجاد مؤذن*

چکیده

مسجد جامع ساوه همانند مسجد جامع اصفهان و مسجد جامع اردستان دارای دوره‌های ساخت متنوعی در طول تاریخ خود است. سؤال کلی تحقیق پیش رو بررسی دوره‌های تاریخی کالبدی ساخت مسجد جامع ساوه به‌عنوان یکی از موزه‌های تحولات معماری ایرانی است. هدف از این تحقیق رفع ابهامات موجود درباره‌ی دوره‌های مختلف ساخت عناصر متنوع مسجد و ارائه پلان‌های دوره‌بندی آن است. روش تحقیق استفاده شده در این مقاله روش تاریخی است: دوره‌بندی تکیه بر تحلیل هندسی، سازه‌ای و تزئینات بنا دارد و گردآوری اطلاعات آن مبتنی بر مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. معیارهای استفاده شده در این دوره‌بندی، تکنیک‌های پوشش فضاها، مصالح، تاریخ‌گذاری تزئینات، تقدم و تأخر قرارگیری ساختار و ارتباط آنها با کف‌های قدیمی و مطالعه تطبیقی با دیگر بناهای مشابه می‌باشد. کالبد کنونی مسجد شامل صحنی دوزنقه شکل، شبستان‌های جنوبی، غربی و شرقی، پایه‌های جرزه‌های شبستان شمالی، گنبدخانه و ایوان جلوی آن در ضلع جنوبی، ایوان رفیع غربی، بنایی با پلان چلیپایی در گوشه جنوب غربی، منار شمال شرقی و محراب‌ها و محراب نماهای متعدد است. نتیجه این تحقیق ارائه دوره‌بندی تاریخی اثر به این شرح است: ۱. قرن اول هجری تا شروع دوره سلجوقی (هسته اولیه)، آثار به‌جامانده از این دوره پایه جرزه‌های خشتی و خشتی‌چینه‌ای است؛ ۲. نیمه قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم، پایه‌گذاری منار مسجد با کتیبه‌ای به تاریخ ۵۰۴ هجری، حذف دو ناو و احداث گنبدخانه و فضای باز جلوی آن؛ ۳. قرن هفتم تا اوایل قرن دهم، ساخت ایوانی رفیع در ضلع غربی؛ ۴. اوایل قرن دهم تا اواخر قاجار، که در این دوره معماران به مرمّت سازه‌های قبلی پرداخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: دوره‌بندی تاریخی، مسجد جامع ساوه، معماری ایلخانی، معماری سلجوقی

مقدمه

برای پیدا کردن تاریخ ساخت مسجد اولیه و همچنین تفکیک دوره‌های مختلف ساخت آن و نیز پیدا کردن تاریخ دقیق ساخت هر کدام از عناصر مسجد کاوش‌های میدانی فراوانی در چند دوره صورت گرفته است. در سال ۱۳۴۵ شمسی توسط انجمن آثار ملی، از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ توسط پروفیسور سن پائولزی از دانشگاه فلورانس و پس از آن تا اواخر دهه هفتاد گروه‌های مختلفی از جمله گروهی به سرپرستی محمد مهریار مسئولیت این امر را به عهده داشته‌اند؛ اما نتیجه مکتوب حاصل از این پی‌گردی‌ها فقط به صورت چهار مقاله از اسکندر مختاری طالقانی، نادیه ایمانی، عادل فرهنگی و محمد مهریار و همکاران او در مجموعه مقالات اولین و دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران در آرگ بم به چاپ رسیده است که در هیچ کدام از آنها به ارائه دوره‌بندی کالبدی و تاریخی بنا پرداخته نشده است و باید توجه کرد که بدون این دوره‌بندی و ارائه پلان‌های مختلف آن، کالبد کنونی مسجد سرشار از در کنار هم قرارگیری‌های گنگ بین اجزا مختلف مسجد است. در این مقاله تلاش بر این است که دوره‌های مختلف ساخت در مسجد بر اساس مدارک ارائه‌شده تفکیک شوند.

امروز برای ادامه راه معماری ایرانی به‌عنوان حلقه‌ای از زنجیر پیوسته معماری ایرانی، شناخت آنچه بر آن گذشته و تحولات گوناگون آن در دوره‌های مختلف، ما را در باز یافتن حلقه آخر مدد می‌کند. این مسجد دارای دو ایوان، یکی در ضلع جنوبی و دیگری در ضلع شرقی است. از طرف دیگر، مسجد جامع ساوه به دلیل دربرداشتن ساختارهای از دوره‌های مختلف معماری ایرانی، نمونه‌ای مورد توجه است که ابهامات زمانی بخش‌های متعدد آن، امکان درک صحیح از بنا را مخدوش می‌کند. چه اینکه در صورت شناخت‌نداشتن، ممکن است سیاست‌های مرمتی مورد اتخاذ نیز با نابسامانی‌هایی روبه‌رو شود. همچنین رجوع به تجربه دوره‌بندی مسجد جامع اصفهان آشکار می‌کند که تعامل صحیح مخاطب و گردشگر با بنای تاریخی، فقط در پرتو ساماندهی نظام رسانش اطلاعات به او صورت می‌پذیرد که می‌تواند در شناسایی و به تبع احیای جایگاه مسجد جامع ساوه سودمند باشد. ضمن آنکه باید در نظر گرفت، چنین مطالعاتی با بر هم نهی یافته‌های قبلی، سبب تداوم جریان پژوهشی در باب این بنا شده و مسیر مطالعات آینده را نیز تثبیت و ممکن می‌کند. لازم به ذکر است که اوژون گالدیری اولین کسی است که به مبحث دوره‌بندی کالبدی بناهای مهم معماری ایرانی پرداخته و مفصل‌ترین مطالعات دوره‌بندی کالبدی تاریخی صورت گرفته در معماری ایرانی را در مسجد جامع اصفهان انجام داده است.

روش تحقیق

دوره‌بندی بناهای تاریخی که چندین بار مورد کاوش‌های باستان‌شناسی قرار گرفته‌اند، نیاز به تلفیق هم‌زمان مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و بررسی نمونه‌های موردی دارد. در این مقاله برای دوره‌بندی، تکیه بر بررسی‌های میدانی و تحلیل هندسی، سازه‌ای و تزئینات بنا شده است.

در این راستا ابتدا کالبد کنونی مسجد به صورت مختصر تشریح می‌شود؛ سپس بخش‌هایی از مطالبی که درباره مسجد جامع ساوه در کتب تاریخی آورده شده و همچنین بنیان و معماران مسجد بر اساس کتیبه‌های موجود در بنا ارائه می‌گردد. قبل از بررسی دوره‌های مختلف مسجد برای دستیابی به طرح فرضی اولیه مسجد، تحلیلی در نظام پیمون‌بندی مسجد ارائه می‌گردد که حاوی نتایجی در مورد شبستان‌های اولیه مسجد می‌باشد. البته لازم به ذکر است که از آنجا که سیل شبستان شمالی مسجد را ویران کرده و جز پایه‌هایی از آن باقی نمانده و کاوش‌ها در این ضلع نتایجی که هویت این بخش از بنا را مشخص سازد، به دست نمی‌دهد؛ بررسی نظام تناسبات و همچنین دوره‌بندی در مورد سه شبستان دیگر صورت گرفته است.

موقعیت مسجد در شهر ساوه

برای شناخت بهتر مسجد جامع ساوه باید آن را در مقایسه با بافت قدیم شهر مورد شناسایی قرار داد. آنگاه شاید بتوان دلیلی برای موقعیت خاص آن در حد نهایی بخش جنوبی شهر بازجست و شمایی از وضع بنای اصلی و رابطه آن با بناهای فرعی وابسته را، که اینک در زیر باغ‌های انار و اراضی زراعتی فقط شالوده آنها باقی‌مانده، در ذهن مجسم کرد. بافت قدیم شهر ساوه شامل بخش‌های جنوبی و جنوب شرقی شهر فعلی بوده و هسته مرکزی آن را، شامل مسجد میدان و چند آب‌انبار، خیابان مسجد جامع به مسجد جامع پیوند می‌دهد (موسوی، ۱۳۵۵: ۱۶). وجود دو امام‌زاده، سید بشیر و سید اسماعیل، همچنین تپه‌های باستانی، که سفال‌های مینایی منسوب به ساوه از آنها کاوش شده است، در نزدیکی مسجد جامع نشان از رونق این بخش از شهر در گذشته دارد؛ اما امروز با گسترش شهر به سمت شمال و غرب، این بخش از شهر متروک مانده و مسجد در حاشیه شهر قرار دارد.

کالبد کنونی بنا

بنای مسجد جامع ساوه در جنوب غربی و خارج از محدوده شهر فعلی قرار دارد. بنا در حال حاضر دارای گنبدخانه و ایوان جلوی آن در بخش جنوبی، ایوان رفیع غربی، شبستان‌های

پیشینه تاریخی مسجد جامع ساوه بر اساس کتیبه‌ها

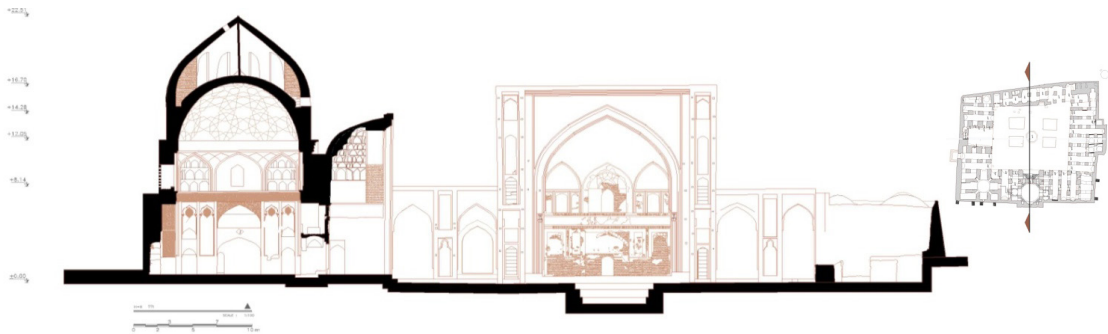
«قدیمی‌ترین کتیبه تاریخ‌دار بنا که بر مناره جای دارد؛ مربوط به سال ۵۰۴ هجری قمری و حاوی نام محمد بن ملک‌شاه است. ... محراب گچ‌بری شده گنبدخانه دارای کتیبه‌ای به تاریخ ۷۰۵ هجری قمری است.

در انتهای کتیبه گچ‌بری گنبدخانه نیز تاریخ ۹۲۲ هجری قمری نقر شده است.» (فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۴ و ۳۷).

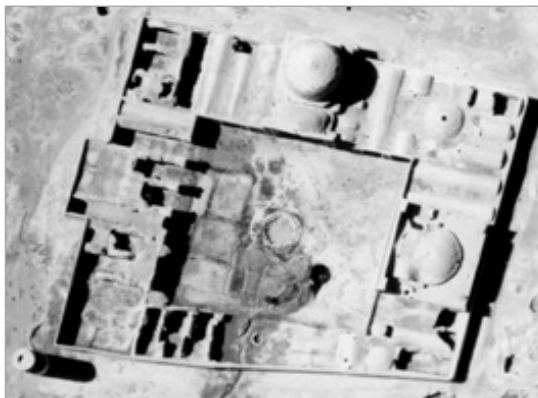
مؤلف گنجینه آثار قم ضمن اشاره به یک بیت شعر در کتیبه ایوان غربی، آن را حاوی ماده تاریخ احتمالی ساخت ایوان دانسته:

این میمون بنای بی کم‌وکاست / عمل شاه وردی بناست
(فیض قمی، ۱۳۵۰: ۱۲۴)؛ که از آن تاریخ ۷۱۹ ه.ق. به دست می‌آید. در کتاب آثارالبلاد و اخبارالبلاد، تألیف سال ۶۷۴، به طاق عظیمی در سردر مسجد جامع ساوه اشاره شده و آمده که در دو سوی این سردر، دو مناره بسیار بلند قرار داشته است. مؤلف این اثر افزوده است که «در وسط مسجد، خزانه‌ای منسوب به وزیر ابی‌طاهر خاتونی وجود داشته و در آن، کتاب‌های معتبر و اشیای نادر و دست‌نوشته‌ها و اسطرلاب‌ها و گوی‌ها نگهداری می‌شده است.» (قزوینی،

جنوبی، غربی و شرقی و مناره‌ای در گوشه شمال شرقی و خارج از محدوده مسجد است. از شبستان شمالی مسجد فقط پایه‌ها و کف‌سازی‌هایی باقی‌مانده و دلیل انحراف آن نسبت به سه ضلع دیگر حیاط مسجد و شبستان‌های دیگر هنوز به روشنی مشخص نشده است. ورودی اصلی آن در ضلع غربی و دارای ورودی دیگری در ضلع شمالی است. تزئینات مسجد بسیار متنوع بوده و شامل گچ‌بری‌هایی مربوط به دوره‌های مختلف از جمله محراب‌ها و محراب نماهای ایلخانی، کاشی‌کاری روی گنبد، گچ‌بری تخمه‌گذاری محراب صفوی گنبدخانه، که از نمونه‌های منحصر به فرد در ایران است، تزئینات آجر مهری دوره ایلخانی و صفوی در ایوان جنوبی و غربی و گنبدخانه است. این مسجد «هم حال و هوای تاریخانه دامغان را دارد و هم خصوصیات مسجد جامع اصفهان و قزوین و یزد را» (موسوی، ۱۳۵۵: ۱۴). در جهت سهولت در دریافت مکان تصاویر ارائه شده در متن مقاله، محورهای افقی و عمودی بر روی پلان بنا ترسیم شده است و مکان هر تصویر با یک حرف و یک عدد (به‌عنوان مثال f8) تعریف می‌شود.



تصویر ۱. مقاطع بنا؛ خط برش بر روی پلان مشخص شده است. (شرکت مهندس مشاور هفت خشت پارس)



تصویر ۳. تصویر هوایی مسجد (اشمیت، ۱۹۳۶: ۳۱۲)



تصویر ۲. تصویری سه‌بعدی از مسجد؛ اجزاء اصلی مسجد شامل: گنبدخانه و ایوان جلوی آن در وسط؛ منار در جلو؛ ایوان غربی در سمت راست تصویر (شرکت مهندس مشاور هفت خشت پارس)

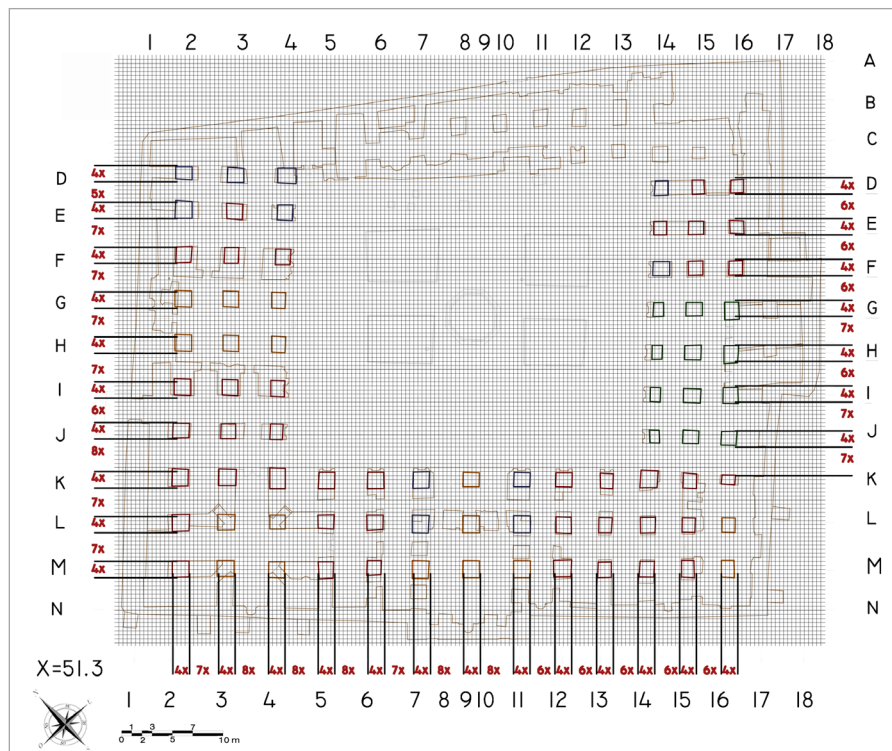
۱۳۶۶: ۱۵۷) «مؤلف معجم البلدان، در قرن هفتم هجری قمری، ضمن اشاره به این کتابخانه نوشته است که مغولان آن را آتش زده‌اند.» (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۳۸۰) از این بنا امروز هیچ اثری در مسجد نیست: به جز سکویی در وسط حیاط که شاید از بقایای بنای مذکور باشد.

نظام تناسبات و هندسه حاکم بر بنا

برای بررسی نظام تناسبات و هندسه حاکم بر بنایی که با گذر زمان دخل و تصرفات فراوانی در آن صورت گرفته و عناصر معماری با ابعاد و تناسبات جدید به عناصر قدیمی اضافه شده یا بر جای آنها قرار گرفته‌اند، رجوع به وضع موجود بنا نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت؛ چراکه پس از شکل‌گیری هسته اولیه، هر عنصر جدیدی که بر آن کالبد اضافه شود، در آن نظام تناسبات اولیه باید گنجانده شود؛ بنابراین در قدم اول سعی شد نقشه‌ای از هسته اولیه بنا تهیه شود. پس از تهیه نقشه مسجد اولیه شبکه‌ای متشکل از مربع‌های cm ۱۰۶/۶۶*۱۰۶/۶۶ که در معماری ایرانی به گز معروف است ساخته شد؛ اما این شبکه با پلان مسجد اولیه هم‌خوان نبود و نشان می‌داد که در ساخت مسجد اولیه از این اندازه استفاده نشده است. همین روند برای شبکه‌ای cm ۵۳/۳۳*۵۳/۳۳ نیز که به آرژش معروف است و در واقع نظام خردتر گز است، نیز دنبال شد که آن هم نتیجه‌ای در پی نداشت. به همین دلیل سعی

شد تا با اندازه‌ای که با اندکی اغماض قابل تسری به همه بنا باشد، شبکه‌ای ساخته و بر بنا منطبق شود؛ بر همین اساس برای هر کدام از دو ضلع جنوبی و غربی به صورت مجزا، عرض جرزها 2A و فاصله بین جرزها 3.5A تعریف شد، بنابراین در ضلع جنوبی جمع همه جرزها و ناوها 68A شد، طول کل ضلع جنوبی که در این اندازه‌گیری استفاده شد هفتاد متر و در ضلع غربی جمع جرزها و ناوها $A = 51/5$ است و طول کل این ضلع $5/7$ متر است؛ بنابراین در ضلع جنوبی $A = 1.03$ و در ضلع غربی $A = 1.02$ است. سپس میانگین این دو عدد را گرفته و برای اینکه شبکه پیمون دقیق‌تر شود آن را نصف کرده و در نهایت عدد $X = 51.3$ سانتی‌متر برای ساخت شبکه پیمون حاصل شد که با کمی اغماض با بنای اولیه مسجد تطابق دارد.

گام بعدی، بررسی استفاده از تناسبات طلایی در بنا است. «با اینکه تناسبات در نگاه نخست شاید به چشم بیننده نیاید، ولی آن ساماندهی دیدگانی پدید آمده، در یک رشته تجربیات پیوسته، می‌تواند پدیدآورنده حس زیبایی شود» (نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۱۸۹). مستطیلی محاط در شش ضلعی که دارای طول $\sqrt{3}$ و عرض یک است. «استاد پیرنیا آن را تناسب طلایی ایرانی می‌نامد. ... نمونه آن در تالار بلند میانی کاخ کسری در تیسفون یافت می‌شود» (نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۱۹۶). اما در



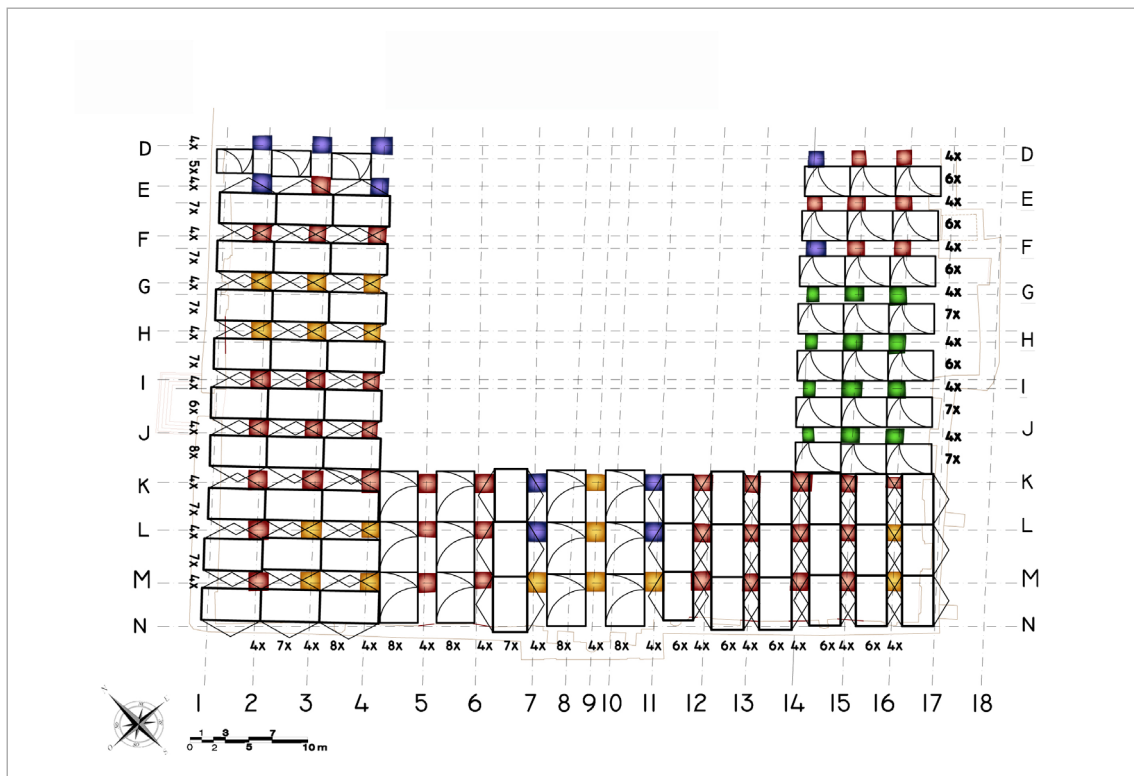
تصویر ۴. پلان پیمون‌بندی (نگارنده)

قسمت آخر دارای هفت ناو با تناسب $\sqrt{2}$ است. در ضمن در شمال بخش غربی مسجد ناوی که بین دو محور D و E قرار دارد، دارای تناسباتی متفاوت با دیگر ناوهای مسجد است و احتمالاً از الحاقات دوره‌های بعد باشد. البته برای دوره‌بندی بنا باید علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای از کاوش‌های میدانی نیز، گمانه‌زنی‌های افقی و عمودی، بهره برد.

معرفی دوره‌های گوناگون تاریخی بنا و سیر تحول ساختاری آن

در راستای شناخت سیر تحول، چهار دوره تاریخی برای بنا پیشنهاد می‌شود؛ البته هر کدام از دوره‌های پیشنهادی، خود به دوره‌های ساخت محدودتری تقسیم می‌شوند که تا حد توان به آنها پرداخته می‌شود. معیارهای مورد استفاده در این دوره‌بندی تکنیک‌های پوشش فضاها و ساختار معماری، مصالح استفاده شده، تاریخ‌گذاری تزئینات و تطابق آنها با کالبد پشت آنها، تقدم و تأخر قرارگیری ساختار و ارتباط آنها با کف‌های قدیمی و مطالعه تطبیقی با دیگر بناهای مشابه می‌باشند. دوره‌های تاریخی بنا:

معماری ایرانی از تناسبات دیگری هم به‌عنوان تناسبات طلایی استفاده می‌شود که مستطیلی به طول $\sqrt{2}$ و عرض یک است. «از نمونه‌های نام‌آور کاربرد آن را می‌توان در کاخ‌های تخت جمشید، به‌ویژه در کوشک آپادانا یافت.» (نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۱۹۶). همانند پیمون‌بندی، استفاده از تناسبات طلایی در بنای اولیه با دقت بالایی همراه نیست و به همان ترتیبی که در قبل توضیح داده شد، سازنده از اندازه‌هایی استفاده کرده که نزدیک به ابعاد تناسبات طلایی هستند؛ البته نکته جالب توجهی که می‌توان از انطباق تناسبات طلایی بر بنا استنباط کرد، دوره‌های مختلف ساخت، یا تقدم و تأخر تاریخی ساخت بخش‌های مختلف بناست که با بررسی‌های انجام‌شده در حوزه‌های دیگر و تاریخ‌گذاری‌های پایه‌ها و تزئینات تأیید می‌شود. ترتیب ساخت پیشنهادی بخش‌های مختلف بنا بر اساس ترتیب شماره‌ها از یک تا چهار است: بخش یک شامل پنج ناو است که دارای تناسب $\sqrt{2}$ هستند، اما ناو میانی آنها که ناو کناری گنبدخانه است و به ناو مقصوره معروف است دارای تناسب $\sqrt{3}$ است؛ پس بدین شکل تقارن این بخش کاملاً حفظ می‌شود و ناو مرکزی آن نیز دارای تناسباتی متفاوت با ناوهای کناری است؛ بخش دو شامل شش ناو است که همه تناسب $\sqrt{3}$ دارند؛ بخش سه شامل نه ناو است که آنها هم دارای تناسب $\sqrt{3}$ هستند؛



تصویر ۵. پلان تناسبات طلایی (نگارنده)

دوره اول (هسته اولیه): قرن اول هجری تا شروع دوره سلجوقی، اواسط قرن پنجم

دوره دوم: نیمه قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم

دوره سوم: قرن هفتم تا اوایل قرن دهم

دوره چهارم: اوایل قرن دهم تا اواخر قاجار.

دوره اول (هسته اولیه): قرن اول هجری تا شروع دوره

سلجوقی، اواسط قرن پنجم

مسجد اولیه؛ «ساخت‌وساز اولیه فضای عمومی مسجد از شبستان‌های طولی تشکیل شده که بر پیرامون حیاط مرکزی چهارگوشه‌ای برپا بوده و به وسیله بارویی خشتی‌چینه‌ای از فضای بیرون مسجد جدا می‌شده است.» (مهریار، ۱۳۷۴: ۷۶۷) جامع ساوه مسجدی شبستانی و ساده، متشکل از جرزها و تویزه‌های خشتی بین آن‌ها، سه فرش‌انداز، و طاق ضربی خشتی آهنگ (که شبستان جنوبی، شرقی و غربی را تشکیل می‌دهد) و حیاط مرکزی و باروی پیرامون مسجد است. تویزه‌های خشتی بین ستون‌های مربوط به مسجد اولیه و باروی فعلی، نشان‌دهنده اصیل بودن بخش‌هایی از باروی موجود و دلیلی بر تغییر نکردن مکان باروی مسجد در طول زمان است.

مسجد تاریخانه دامغان، قرن دوم هجری قمری، دارای شبستان جنوبی در سه فرش‌انداز است و در سه جبهه دیگر دارای یک ردیف رواق است. مصالح مورد استفاده و کلیت طرح مسجد تاریخانه در شبستان جنوبی با مسجد جامع ساوه مشابهت دارد (جرزهای خشتی، ناوهای با کشیدگی عمود بر صحن در ضلع جنوبی، فاصله جرزها از هم).

جرزها و تویزه‌های خشتی: آثار به‌جامانده از این دوره پایه جرزهای خشتی و خشتی‌چینه‌ای است. بقایای جرزهای خشتی در بعضی نقاط تا نزدیک پاکار طاق آهنگ آجری

جدید در ارتفاع ۴/۵ متر قابل مشاهده است. علاوه بر جرزها، تویزه‌های خشتی که جرزها را به هم مرتبط می‌کردند و در طول هر ناو تعداد آنها از هر طرف سه عدد بود، در بعضی نقاط مسجد باقی‌مانده‌اند. در نقشه ارائه‌شده مربوط به این دوره جرزهای شماره یک، در بنا قابل مشاهده هستند. جرزهای شماره دو بر اساس نظام پیمون‌بندی مسجد جانمایی شده‌اند و قابل مشاهده نیستند. جرزهای شماره چهار نیز بر همان اساس قبل جانمایی شده‌اند و در دوره‌های بعد با ساخت‌وسازهای جدید تخریب شده‌اند. هسته خشتی جرزهای شماره سه نیز به دلیل پوسته آجری تعمیری مربوط به دوره‌های بعد که دورادور آنها را فراگرفته قابل مشاهده نیست؛ علاوه بر این که از نظر ابعاد (طول و عرض) این جرزها از دیگر جرزهای مسجد کوچک‌تر هستند.

کف‌ها: یکی از راه‌های یافتن ارتباط و تقدم و تأخر تاریخی کالبدی موجود، بررسی کف‌های متعدد بنا و یافتن نقطه اتصال آنها با جرزها است. در اکتشافات گذشته کف‌های متعددی کشف شد که در دوره‌بندی بخش‌های مختلف بنا تأثیر فراوانی داشت؛ البته کف‌های پیداشده در حفاری با پوشش جدید مسجد پوشانده شدند و امروزه مشاهده‌پذیر نیستند. به‌عنوان مثال بخشی از توضیحات مهندس مهریار در حفاری برای یافتن کف‌های دوره‌های مختلف بنا آورده می‌شود؛ «یکی از دوره‌های تعمیراتی عمده و تحولات فراگیر در همه سطح بنای اولیه، پیدایش کف گچی ضخیمی است به کلفتی ۲ تا ۲/۵ سانتی‌متر که اغلب بر روی یک لایه زیرسازی گلی با ضخامت حدود دو سانتی‌متر فرش شده است. در اغلب نقاط فضای شبستان جنوبی و برخی نقاط در شبستان غربی مسجد آثاری از



تصویر ۷. شبستان جنوبی، بخش شرقی جرز L12، خشت‌های ۴۰*۴۰ در پایه جرز (نگارنده)



تصویر ۶. شبستان غربی، بخش شمالی جرز F2، جرز خشتی‌چینه‌ای و تویزه خشتی (نگارنده)

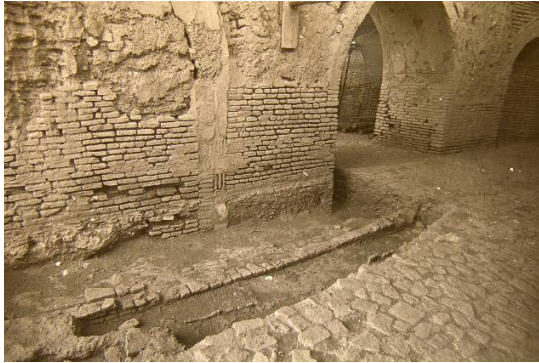
مربوط به دوره اول ساخت و ساز در مسجد است.

۱: ستون‌های خشتی موجود.

۲. بر اساس نظام پیمون مسجد جانمایی شده‌اند و قابل مشاهده نیستند.

۳. با نمای آجری پوشانده شده‌اند.

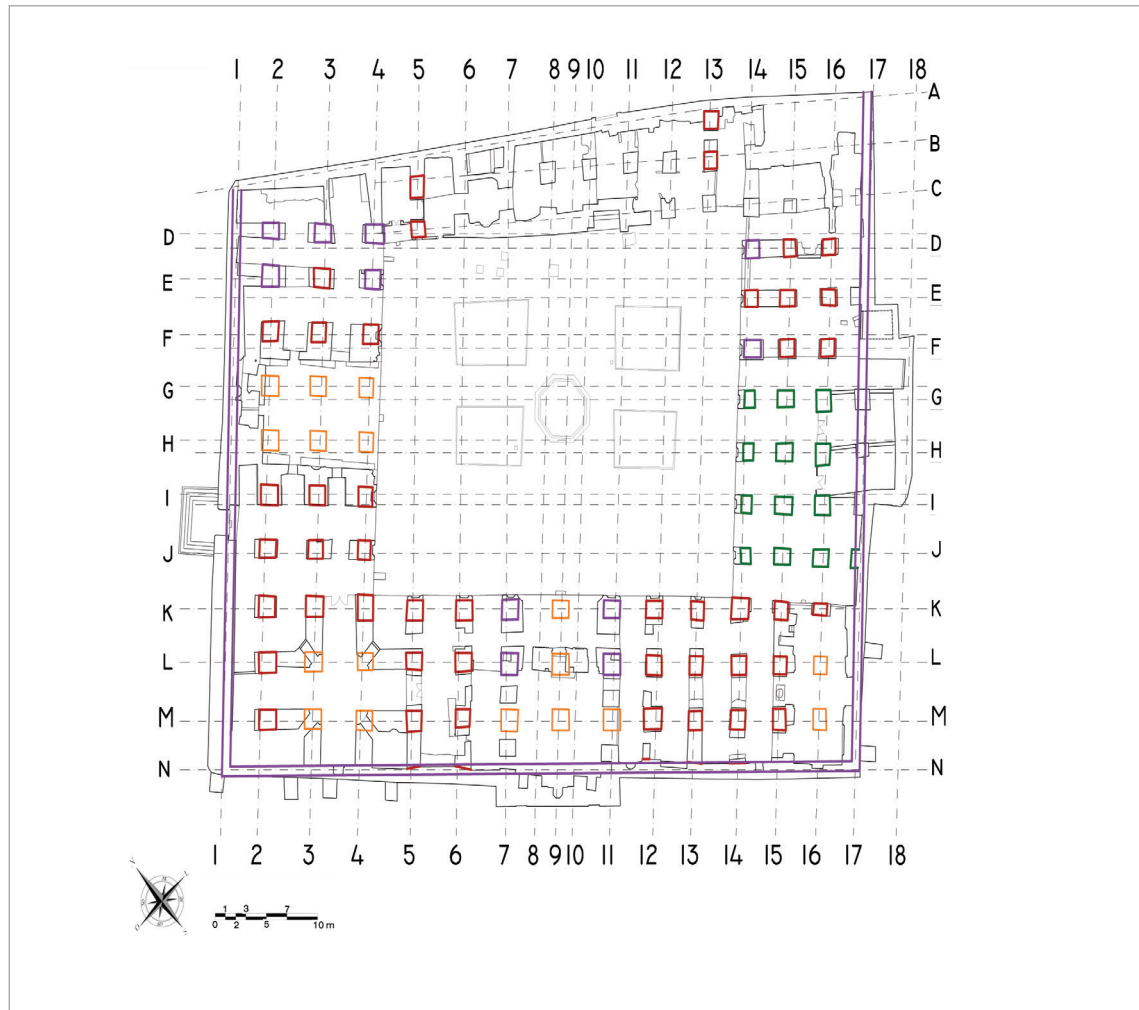
۴. ستون‌های تخریب شده در ساخت و سازهای دوره‌های بعد.



تصویر ۸. بخشی از کف ذکر شده در متن بالا در تصویر مشخص است. (فرهنگی)

این کف برجا مانده که خود فرصت مغتنمی برای شناسایی مسجد است.» (همان: ۷۶۲).

تزئینات: مهم‌ترین تزئین قابل مشاهده مسجد اولیه نوعی فتیله سازی گچی، با نقش‌هایی به رنگ لاجوردی و قرمز، در نمای تویزه‌های بین جرزها است. «در نمای غربی [جرز K16] در حد تراز پاکار تویزه، فتیله سازی گچی‌ای که با به وجود آوردن قابی مستطیل شکل تویزه‌های برابر را در کادری قرار داده است و در تراز پاکار با یک پیش نشینی، چفتی به پهنای ۱۰ سانتی‌متر را ایجاد نموده و در امتداد لبه ستون خود را به کف می‌رسانده است، نمای گچی بنای خشتی چینه‌ای اولیه، قبل از حضور پوسته‌های آجری استحفاظی، است.» (فرهنگی، ۱۳۷۰: ۴). این تزئین در چند جای مسجد یافته شد و شهادی برای تعیین هسته اولیه مسجد بود. نکته مهم این که بر روی این لایه گچی ردیفی از آجرهای تقویت کننده سازه مربوط به دوره سلجوقی، که مورد آزمایش قرار گرفته و تاریخ گذاری شده است، قرار دارد؛ بنابراین این لایه مسلماً



تصویر ۹. نقشه دوره اول؛ باروی پیرامونی مسجد با رنگ مشکی تیره مشخص شده است. (نگارنده)

دوره دوم: نیمه قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم

در این دوره اقدامات مهمی در مسجد جامع ساوه صورت گرفت

۱. پایه گذاری منار مسجد که دارای کتیبه‌ای به تاریخ ۵۰۴ هجری است. «مناره مسجد جامع ساوه یکی از زیباترین تک مناره‌های دوره سلجوقی است.» (موسوی، ۱۳۵۵: ۱۸)
۲. حذف دو ناو میانی شبستان جنوبی (حذف جرزهای محور ۹) و تقویت جرزهای اطراف با دیوارهای آجری و احداث گنبدخانه در پلانی به شکل مستطیل (گنبدی با فرم نیم بیضی یا کمبیزه) و فضای باز جلوی آن (که بعدها مسقف شد). کاوش‌های انجام‌شده در گنبدخانه و یافتن پایه جرزهای حذف‌شده برای احداث گنبدخانه دوره چهارم در بخش جنوبی گنبدخانه و عقب‌نشینی کم‌سابقه دیوار قبله در بخش گنبدخانه برای احداث گنبدخانه‌ای با پلان مربع به جای پلان مستطیل (رجوع به تصویر ۲۰ و توجه به دیوار قبله در بخش گنبدخانه) از جمله دلایل کمبیزه‌بودن گنبد دوره دوم است. نکته مهم این که یافتن تزئینات مربوط به دوره سلجوقی در پشت سه جبهه گنبدخانه، غیر از جبهه جنوبی حدود گنبدخانه در این سه ضلع را قطعی می‌کند و دلیلی بر احداث دیوار جنوبی گنبدخانه در دوره بعد از سلجوقی است.
۳. تقویت جرزهای خشتی و تویزه‌های بین آنها با آجر تزئینات سه ناو میانی شبستان غربی؛ اول کتیبه که حدود هشتاد سانتی‌متر عرض دارد. موجود در داخل جرز روی طاق جنوبی ایوان غربی در محل حفاری‌شده با نقاشی به رنگ لاجوردی (البته این کتیبه امروزه به دلیل مرمت‌های دوره‌های بعد قابل مشاهده نیست). کل بخش‌های باقی‌مانده این تزئین نقاشی بر روی گچ در پاکار طاق‌های خشتی ناوها در ارتفاع بین ۳/۶۰ تا ۴/۵۰ متر در پشت ایوان قرار دارد. بخش‌هایی از این تزئینات در ایوان غربی بین عناصر خشتی

اولیه و دیوار، در ضلع شمالی جرزهای محور I در راهرویی که در ارتفاع چهار متری برپاشده (برای ساخت ایوان در کنار آنها)، بخشی نیز در همان تراز و آن طرف ایوان؛ یعنی ضلع جنوبی جرزهای محور F. بخشی دیگر نیز در ضلع شرقی باروی خشتی محور یک. بخش موجود تزئینات که در ضلع شمالی محور I بین دو محور سه و چهار قرار دارد حاوی کلماتی از آیه ۲۵ سوره یونس است. اگر با همین مقیاسی که این کلمات نوشته‌شده، طول از اول سوره تا این کلمات را به طور تقریبی محاسبه کنیم، برابر با خطوط ضخیمی می‌شود که در پلان بعد، در ضلع غربی با خط ضخیم مشخص شده است؛ یعنی کتیبه باید از ضلع جنوبی جرز F4 شروع می‌شده و به سمت بارو ادامه پیدا کند، پس از آن کل ناو را پوشش دهد؛ سپس ادامه آن از جرز G4 شروع شود و به همین ترتیب کل فضای داخلی این ناو را نیز پوشش دهد. به همین صورت کل فضای داخلی ناو بعدی نیز با این تزئینات پوشش داده می‌شود. شواهد موجود فقط حضور این تزئینات در این سه ناو را تا حدودی اثبات می‌کند و درباره این نوع تزئین در پاکار بقیه ناوها اطلاعی در دست نیست. در این کتیبه بالای کلمات کتیبه اندکی خمیده است و انتهای حروف قائم مثل الف و لام و کاف به تزئینات اسلیمی دار ختم می‌شود، این رسم الخط که به کوفی مشجر معروف است در قرن ششم ه.ق؛ «سبک خط این قسمت متعلق به دوره سلجوقی است.» (مختاری طالقانی، ۱۳۷۴: ۱۸۲). با تفاوت مختصری در بناهای مختلف مانند کتیبه کوفی محراب سنگی بقعه خواجه اتابک کرمان دیده می‌شود.

۴. اجرای سه محراب نمای گچ‌بری با تزئینات رنگی بر روی آنها در ضلع شمالی سه جرز M13، L6 و M14. نمونه‌های مشابه آن را در محراب‌های مسجد اردستان، زواره و گنبد علویان همدان مربوط به قرن ششم می‌توان یافت.



تصویر ۱۲. تزئینات مربوط به محور D که در موزه مسجد نگاه‌داری می‌شود (نگارنده)



تصویر ۱۱. محراب نمای گچ‌بری بر روی تقویت جرز خشتی توسط آجر در دوره سلجوقی (نگارنده)



تصویر ۱۰. تقویت تویزه خشتی (محور K، بین ۳ و ۴) به وسیله آجر در دوره سلجوقی (مهندس نژاد)

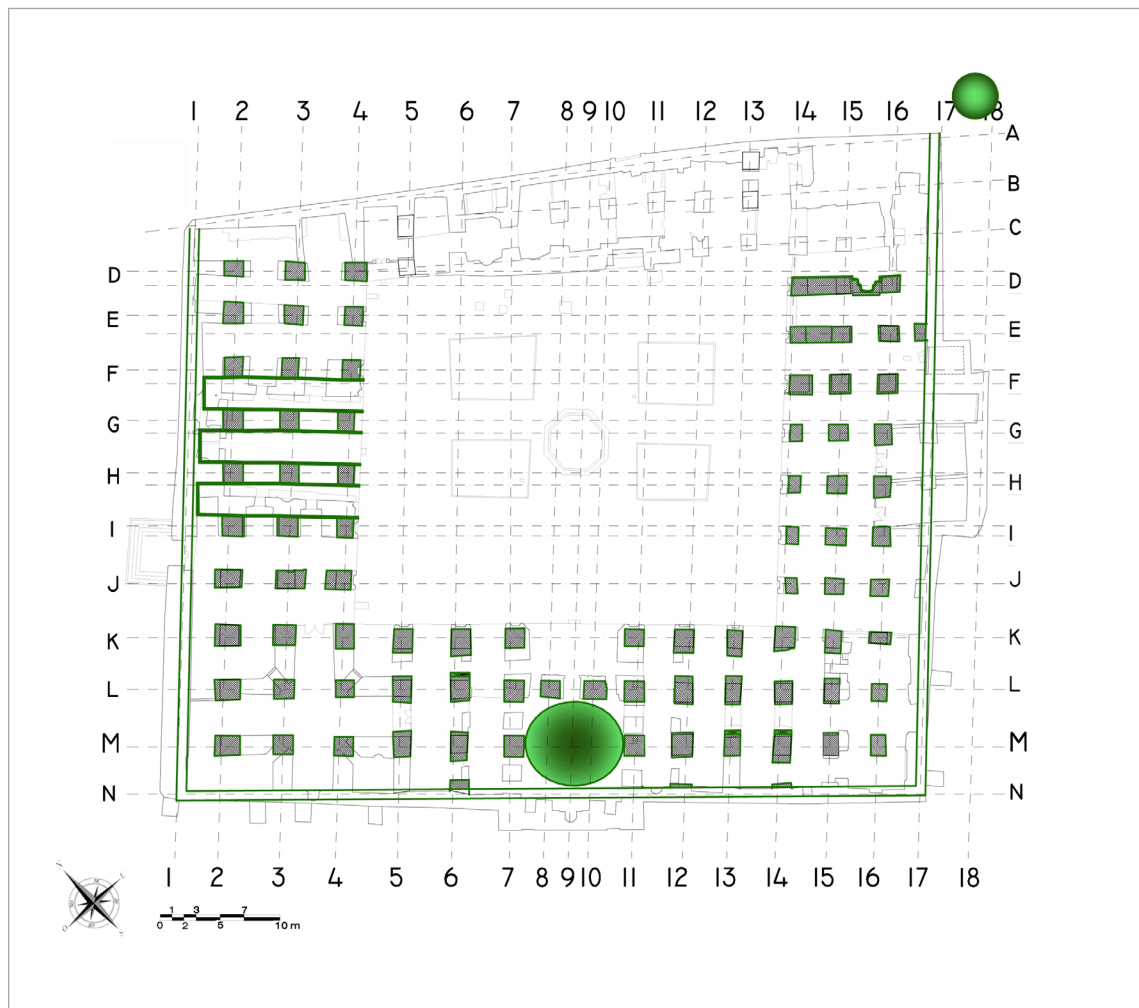
قرار گرفت. از جمله اعمال ساختمانی در این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. «تبلور تعمیرات وسیع قرن هشتم مسجد جامع ساوه در ذهن متولیان و سازندگان و تعمیرکنندگان به صورت عنصر معماری برجسته‌ای که شاخص تعمیرات است؛ نظیر ایوان غربی تجلی یافته و به اجرا درآمده است.» (همان: ۳۸۶)
- ساخت ایوانی رفیع به دهانه یازده متر در ضلع غربی مسجد که برای برپایی آن سه ناو میانی، که در دوره قبل با کتیبه تزئین شده بودند، تخریب شد. ساخت این ایوان منفرد در ضلع غربی مسجد جامع ساوه از نمونه‌های نادر در ایران است و هنوز دلیل موجهی برای آن پیدا نشده است. سازه ایوان متشکل از سه تویزه و دو طاق بین آنها است. اشکال چنین سازه‌ای نیروی رانشی در جلو (سینه) و عقب (اسپر) ایوان است که در همین بنا هم باعث تخریب تویزه و طاق عقبی و تویزه جلویی شد و در دوره‌های بعد مرمت شده است.
۲. نماسازی جرزهای خشتی در جبهه‌های رو به صحن

۵. در ضلع شمالی شبستان شرقی در محور D، از تویزه تا کف دو طاق خشتی اول و دوم نزدیک به صحن کاملاً پر شد و نمای شمالی این محور از محورهای چهارده تا شانزده با تزئینات گچ‌بری و محرابی عظیم پوشانده شد. مشابه این تزئینات را در محراب مربوط به اوایل قرن ششم هجری رباط شرف خراسان می‌توان دید. (تصویر ۱۲)

دوره سوم: قرن هفتم تا اوایل قرن دهم ه.ق

شهر ساوه و مسجد جامع آن در حمله مغول لطمات بسیاری دید و تقریباً سقف همه ناوهای مسجد ویران شد. «شهر بنا بر گفته یاقوت حموی به صورت تخریب شده، سوخته و قتل‌عام شده به تصویر کشیده می‌شود، کفار ترک تاتار شهر را ویران کردند، تمام موجودات را از دم تیغ گذراندند و احدی را زنده نگذاشتند.» (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۳۸۴) پس از آنکه مغولان تصمیم گرفتند اعمال ویرانگرانه خود را جبران کنند، مسجد جامع ساوه یکی از مکان‌هایی بود که مورد توجه ایلخانان مغول



تصویر ۱۳. نقشه دوره دوم (نگارنده)

شبستان‌ها با آجر و تزئین آنها با آجر مهری و گچ‌بری لچکی‌های طاق نماها.

۳. نماسازی ایوان شمال گنبدخانه ضلع جنوبی با آجر.
۴. حذف دو ناو گوشه جنوب شرقی و ساخت بنایی با سقف طاق و تویزه با دهنه‌ای به اندازه عرض دو ناو و جرز بین آنها
۵. ساخت محراب گچی در دیوار قبله بین محور یازده و دوازده که دارای تاریخ ۷۰۵ ه.ق. (دوره ایلخانی) است.

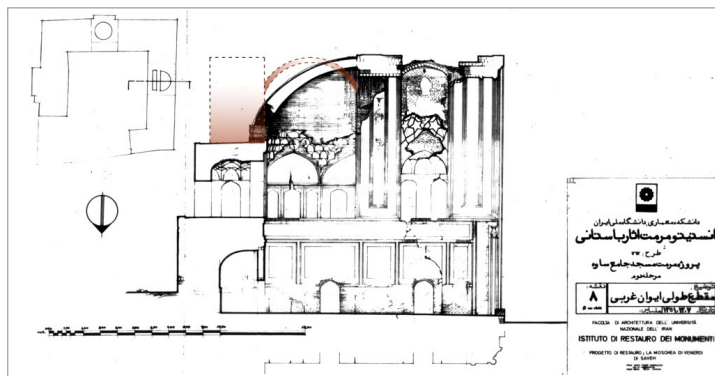
دوره چهارم: اوایل قرن ۱۰ ه.ق. تا اواسط قرن ۱۳ ه.ق.

مهم‌ترین کارهای انجام‌شده در این دوره در اوایل دوره صفویه صورت گرفته است. البته در این دوره تحول سازه‌ای مهمی در بنا رخ نداده و معماران این دوره در این بنا فقط کاستی‌ها و اشکالات سازه‌های قبلی را برطرف و مرمت و پس از آن تزئین کرده‌اند.

۱. تنها کار ساختمانی این دوره که در دیگر مساجد ایران نظیر آن را ندیده‌ایم، ساخت بنایی با پلان چلیپایی در گوشه

جنوب غربی است. برای ساخت این بنا چهار جرز L3، L4، M3 و M4 حذف شدند و گنبدی تک پوسته بر روی فضای مربع حاصل‌شده ساخته شد. هدف از ساخت این بنا نیز به‌طور دقیق مشخص نیست؛ و فقط از طریق دو درب در اضلاع شمالی و شرقی با شبستان‌های اطراف خود ارتباط دارد.

۲. علاوه بر آن اصلاحاتی در ایوان غربی صورت گرفت؛ از آنجا که «ایوان، در مقابل زمین‌لرزه در جهت عمود بر محور تویزه‌ها آسیب‌پذیر است» (ایمانی، ۱۳۷۸: ۵۶۹). مرمت‌گر قرن ۱۰ ه.ق. به جای تویزه انتهایی و طاق متصل به آن، نیم گنبدی (کانه‌پوش) احداث کرد. همچنین به‌عنوان تزئین سرتاسر نمای داخلی ایوان با اندودی از گچ پوشانده شد و بر روی آن رنگ زرد زده شد؛ علاوه بر آن سطح داخلی نیم گنبد نیز با مقرنس پوشانده شد که البته بخش‌های بسیار کوچکی از آن باقی است.
۳. از دیگر کارهای ساختمانی مهم این دوره برپایی مجدد گنبدخانه‌ای، از نوع دو پوش گسسته که دوازده عدد خشخاشی



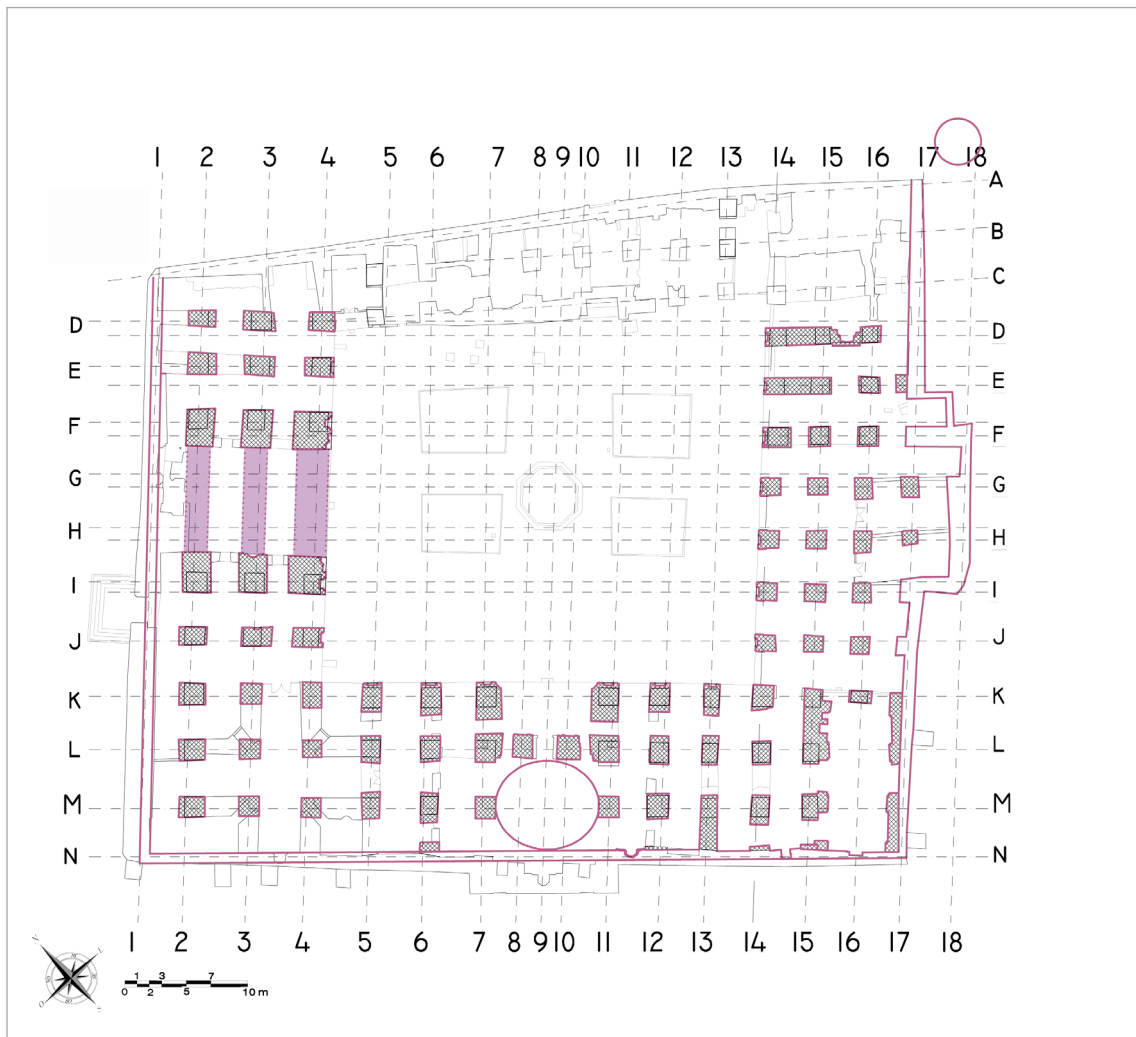
تصویر ۱۵. مقطع طولی ایوان غربی؛ برداشت شده توسط انستیتو مرمت آثار باستانی در سال ۱۳۵۱. طاق و تویزه مربوط به دوره ایلخانی که در دوره بعد به دلیل نداشتن مقاومت کافی در مقابل رانشی به سمت انتهای ایوان تخریب و با نیم گنبد جایگزین شد، در تصویر با خط چین مشخص است. (آرشیو مونوگرافی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی)



تصویر ۱۴. نماسازی رو به صحن در دوره ایلخانی، گچ‌بری لچکی طاق نماها (نگارنده)



تصاویر ۱۶ و ۱۷. دو نمونه از تزئینات آجر مهری مربوط به دوره ایلخانی که در بخش‌هایی بالایی آنها کتیبه‌های گچ‌بری ایلخانی وجود دارد. (آرشیو شرکت هفت خشت)



تصویر ۱۸. نقشه دوره سوم. (نگارنده)



تصویر ۲۰. مقرنس ایوان ورودی گنبدخانه و قسمت انتهایی کتیبه مربوط به دوره صفوی که دارای عبارت «تاریخها تلک هذا آیه الله، کتبه العبد الغریب الله» مشخص کننده تاریخ ۱۰۶۲ به احتساب حروف ابجد است. (مرندی نژاد)



تصویر ۱۹. بخشی از تزئینات تخمه گذاری در محراب گنبدخانه دوره صفوی. (نگارنده)

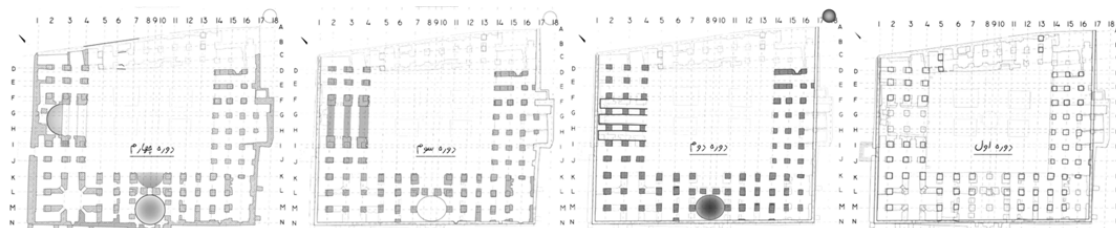
می‌توان شرح داد؛ «واژه تخمه در طراحی سنتی ایرانی به قطعات و بخش‌های کوچکی از نقش که در دل قطعات و بخش‌های بزرگ‌تر جای می‌گیرند، گفته می‌شود.» (ماهر نقش، ۱۳۶۱: ۳۴). نقش بررسی این تزئینات در این مقاله، دوره زمانی خاصی است که از آنها استفاده می‌شد؛ «رونق تزئینات مُعَرَّق گچی در تزئینات معماری ایران متعلق اوایل دوره صفویه است» (صالحی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۶). اجرای تزئینات تخمه گذاری در کل فضای گنبدخانه به‌خصوص محراب که دارای کتیبه‌ای به تاریخ ۹۲۲ ه.ق. است و وفور آن در بخش گنبدخانه و قوت اجرای آنها مهم‌ترین دلیل

ارتباط بین دو پوسته را برقرار می‌کند، با پلانی مربع به جای گنبدخانه قدیمی، که پلانی مستطیل داشت، است. برای تبدیل مستطیل زمینه گنبد به مربع، از آنجا که دو ضلع به ناوهای شبستان و یک ضلع به ایوان محدود می‌شد، ضلع چهارم (باروی اطراف بنا در جنوب) در بخش گنبدخانه تخریب و کمی عقب‌تر بازسازی شد.

۴. تخمه گذاری، «تزئینات نقاشی گل و بته‌ای بسیار ظریف که قبلاً طرح‌های آن روی لایه گچ کنده و بعد به وسیله مخلوطی از رنگ و گچ ... نرم عسلی پر می‌شود.» (آقاجانی، ۱۳۵۹: ۸۶). دلیل نام‌گذاری این روش را چنین



تصویر ۲۱. نقشه دوره چهارم (نگارنده)



تصویر ۲۲. نقشه‌های دوره‌های اول تا چهارم (نگارنده)

به عرض ۹۵ سانتی متر سرتاسر سه جبهه جنوبی، غربی و شرقی ایوان را در ارتفاعی حدود ۴/۸۰ متر پوشاند. «گرچه ایوان جنوبی تزئینات صفوی دارد و کتیبه آن ۱۰۶۲ ه.ق. ذکر شده است، اما بعید نیست که این ایوان نیز هم‌زمان با ایوان غربی بنا شده باشد» (موسوی، ۱۳۵۵: ۱۹).
۶. در دوره قاجار نیز آزاره کاشی گنبدخانه با کاشی‌های شش ضلعی، مشابه با آزاره قرن ۱۰ ه.ق. مرمت گردید و ایوان جنوبی نیز دارای آزاره کاشی شد.

قابل ارائه برای صفوی بودن گنبد موجود است؛ چراکه مسلماً ساختار معماری مقدم بر تزئینات است.

۵. سطوح داخلی گنبدخانه تا تراز شروع چپیره‌سازی به گچ‌بری‌های نفیسی مزین شد و بر فراز فضای باز جلوی گنبدخانه نیز ایوانی مسقف برپا شد. سطح داخلی نیم گنبد ایوان نیز به مقرنسی آجری مزین گشت. در پی انجام این عملیات سطح داخلی ایوان، دست‌خوش نماسازی‌هایی نظیر آنچه در ایوان غربی اتفاق افتاد، شد و کتیبه‌ای با کاشی معرق

نتیجه‌گیری

با بررسی دوره‌های مختلف ساخت مسجد، ابهامات وضعیت کنونی (ایوانی رفیع غربی بدون قرینه‌ای در شرق، تک‌منار شمال شرقی، ورودی‌های مسجد و تزئینات دوره‌های مختلف) برطرف شد. نقشه‌های چهارگانه زیر نمایشگر تحولات سازه‌ای، معماری و تزئینات مسجد جامع ساوه که به این صورت قابل شرح است: ۱. سادگی طرح شبستانی مسجد اولیه، خشت به‌عنوان مصالح اصلی، بدون تزئیناتی خاص و سازه‌ای بدون بلندپروازی در دوره اول (اوایل قرن اول ه.ق. تا اواسط قرن پنجم ه.ق.)؛ ۲. تزئینات کتیبه‌های نقاشی بر روی گچ و گنبدی کوچک در ضلع جنوبی و مناره‌ای عظیم در ضلع شمال شرقی در دوره دوم (نیمه قرن پنجم ه.ق. تا اوایل قرن هفتم ه.ق.)؛ ۳. ایوان رفیع غربی و حذف و جایگزینی برخی ناوها و جرزه‌های آنها با سیستم‌های سازه‌ای پیشرفته‌تر (طاق و تویزه آجری) در دوره سوم (قرن هفتم ه.ق. تا اوایل قرن دهم ه.ق.)؛ ۴. برپایی مجدد گنبدخانه جنوبی با ساختاری دو پوسته، ساخت نیم گنبد در بخش انتهایی ایوان رفیع غربی و جلوی گنبدخانه جنوبی، برای بهبود کارکرد سازه‌ای و جلوگیری از رانش‌های احتمالی (در برابر زلزله یا هر نیروی مخرب دیگری)، و تزئینات پیچیده و منحصر به فرد تخمه‌گذاری و درک استحکام و استفاده از سازه‌ای با پلان چلیپایی در دوره چهارم (اوایل قرن دهم ه.ق. تا نیمه قرن سیزدهم ه.ق.).

مطالعات آینده: نتیجه بنیادی مهمی که از این بررسی حاصل می‌شود و می‌توان از آن به‌عنوان فرضیه‌ای برای مطالعات گسترده دیگر استفاده کرد، رمز ماندگاری آثار معماری ایرانی در طول قرن‌ها است. بناهایی که عرصه عرضه جدیدترین پیشرفت‌های معماری ایرانی در زمان خود بوده‌اند و با اهدا بخش‌هایی جزئی از کالبد خود راه را برای ساخت عنصری نو فراهم کرده‌اند، ادامه حیات خویش را تضمین می‌کردند؛ بنابراین راه تضمین حیات این آثار حفاظت صرف نیست؛ بلکه تلاش برای پویایی کالبدی آنهاست.

سپاس‌گزاری

این مقاله از پروژه تحقیقاتی «طرح جامع ساماندهی مسجد جامع ساوه» که در «شرکت مهندسی مشاور هفت خشت پارس» انجام شد، استخراج شده است. با قدردانی از زحمات همکاران طرح آقایان حسن قادر، مهدی پاک‌نژاد، سعید خودداری نائینی، پوریا عباسی، سید محمد صفوی و راهنمایی آقای دکتر اکبر زرگر و مهندس عادل فرهنگی و محسن اکبرزاده.

منابع و مأخذ

- آقاجانی اصفهانی، حسین. (۱۳۵۹). تعمیرات نقاشی. اثر. (۱). ۷۱-۹۰.
- ایمانی، نادیه. (۱۳۷۸). تحلیل ساختار قوس ایوان غربی مسجد جامع ساوه. مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، تهران: میراث فرهنگی کشور، ۵۶۷ تا ۶۰۱.

- صالحی کاخکی، احمد و دیگران. (۱۳۸۹). فناوری معرق‌های گچی تخمه‌گذاری در تزیینات معماری دوره صفویه. پژوهش‌های تاریخی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان. ۲ (۶)، ۸۰-۶۸.
- فراهانی، ابوالفضل. (۱۳۸۰). مسجد جامع ساوه. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فرهنگی، عادل. (۱۳۷۴). سیمای ایوان غربی مسجد جامع ساوه. مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد ۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۳۸۶-۳۷۴.
- فرهنگی، عادل. (۱۳۷۰). دست‌نوشته‌ها.
- فیض قمی، عباس. (۱۳۵۰). آثار قم (قم و مشاهد). جلد ۲، قم: مهر استوار.
- قزوینی، زکریا ابن محمد بن محمود. (۱۳۶۶). آثار البلاذ و اخبار العباد. عبدالرحمن شرفکندی. تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان.
- ماهرالنقش، محمود. (۱۳۶۱). طرح و اجرای نقش در کاشی‌کاری ایران دوره اسلامی. ج ۱، تهران: موزه رضا عباسی.
- مختاری طالقانی، اسکندر. (۱۳۷۴). مسجد اولیه ساوه. مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد ۳، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۶۱-۱۵۰.
- مرندی‌نژاد، مژگان. آرشیو شخصی.
- موسوی، سیدمحمد. (۱۳۵۵). پی‌گردی در مسجد جامع ساوه. مجموعه مقالات چهارمین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران. مرکز باستان‌شناسی ایران، ۲۶-۱۳.
- مهربار، محمد و دیگران. (۱۳۷۴). سیر تحولات معماری مسجد جامع ساوه بر اساس تحقیق در مانده‌هایی از عناصر معماری فضای مسجد و موشکافی در فضای شمالی گنبدخانه. مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد ۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۷۷۲-۷۶۰.
- نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). مبانی نظری معماری. تهران: دانشگاه پیام نور.
- Schmidt. E. (1936). Air pictures archive.



Received: 2015/01/27

Accepted: 2017/02/04

Study of Historical and constructional evolution of SAVE JAME mosque

Sajad Moazen*

Abstract

The SAVEH JAME mosque, like Isfahan's and Ardestan's Jame, was erected at different periods. Consideration of these constructions provides a lot of information about Iranian architecture evolution. Therefore, scholars analyze and separate the historical and physical periods in these buildings to understand Iranian architecture and the process of conversions correctly, based on historical method. Main four historical terms are suggested for SAVEH JAME mosque. This category is based on some criteria like techniques of architectural structure and covering, materials, date of ornaments and coincidence with the behind structure, precedence and subsequence of fabrics and relation between them and old floors, comparative analysis with similar construction. Today, some important parts of the mosque that is retained consist in the trapezoid yard (Sahn), southern Shabestan, western and eastern Shabestan with adobe columns and arc between them, Ahang arc, columns of northern Shabestan, rotunda and its forward Ivan, high western Ivan, construction with cross plan in southwest, the northeast minaret and various Mehrab and other decorations like Mehrab. Physical aspects of the mosque are vague at first glance. Western Ivan, singular northeast minaret, entrances, ornaments of different terms are constituents without any relation with each other. This paper seeks to clarify the vague points by considering duration of mosque construction in different terms. Historical terms of mosque: 1. first term (primary mosque) (first Hegira century till the middle of fifth century) some adobe columns and some columns which are made from the combination of adobe and mud are remained from this duration. Moreover, there are some adobe arcs that connect these columns to each other. 2. Second term (the middle of fifth Hegira century till early in the seventh century) in this term, especially during Malekshah kingdom, some important parts of Saveh mosque were completed. The foundation of the minaret was built. In addition, two Navs were omitted, then rotunda and its forward Ivan were constructed, adobe columns and arcs between them were invigorated by brick and some decorative elements were built of plaster on three northern columns in southern Shabestan. 3. Third term (seventh Hegira century till early in the tenth century) three Navs were removed and a high Ivan is constructed about 11 meters in length. Furthermore, some main inner elevations were ornamented by brick. 4. Fourth term (early in the tenth Hegira century till the middle of thirteen century) in this term, the general structure of mosque did not change a lot. Some parts of construction (with structural problems) have been repaired. A cross plan, building was constructed in the southwest corner. Beside last arc (Tavizeh) and the next arch after it were omitted in west Ivan and a half dome was constructed there. A new tow-layered domed construction with square plan was constructed instead of an old domed construction with rectangular plan.

Key words: Historical Chronology, Ilkhanate Architecture, Saveh Jame Mosque, Seljuk Architecture.

* Ph.D. Candidate in "Conservation of Historical Monuments and Sites" Art University of Isfahan, Iran.